

به هم می‌پن کرد ...

سایه‌های بسیار است که توپامی از آشنائی نشنیده‌ای هر چه بوده، همه از دشمنان بوده - هر که بر تو آهنگی و آوایی سر داده است، نغمه‌ای ناساز و آهنگی ناموزون بوده که از گلو دشمنی بدخواه برخاسته است. فزون از یک قرن است که تودرمیان یک جهان دشمن روزگار سخت و اندوهباری را میگذرانی - دشمنان بر تو خانواده تو و بر سر زمین نیامان تو بر تو و فرهنگ پر فروز ملت تو تاخته اند و زندگی تو را بتاراج برده اند. اینک پیام ما را، که به حمایت از تو برخاسته ایم، بپذیر

کوشش در ایجاد صنایع سنگین

گامی بزرگ برای رهائی از اسارت اقتصادی است

شاهنشاه آریامهر در نخستین فرازیابی که بمناسبت بنیان‌گذاری دانشگاه صنعتی آریامهر، بسوی ملت ایران فرستادند، هدف از پیشرفت برنامه های توسعه اقتصادی و صنعتی کردن کشور و تجهیز نیروهای انسانی را، «ایجاد صنایع سنگین» توجیه فرمودند.

بیان این نکته، انعکاس آرمان بزرگی است که بصورت راه حل بسیاری از تشکیلات اجتماعی ملت ایران میباشد.

«ایجاد صنایع سنگین» بصورت اساسی ترین سنگری است که ملت ایران با اتکاء بر آن باید مبارزات عظیم آزادی بخش را دنبال کند، بدون اتکاء بر چنین سنگر استواری، ما توانائی نخواهیم داشت در کشاکش این روزگار موقعیت شایسته ملت خود را باز شناسیم و بر باران حوادث خطیری که زندگی ما را تهدید می‌کند، سرزمین را در خود احاطه نموده است مقابله و مقاومت نمائیم. بدیهی است، ایجاد صنایع سنگین خود نخستین دلیل ویا هدف غائی نیست - بررسی درباره تاریخ ملت ایران، شناسائی حقوق تاریخی ایران زمین - وقوف آگاهی بر موقعیت سیاسی و جغرافیائی ملت ایران - احساس وادراک وظایف بزرگی که ملت ایران در پیشگاه تاریخ این سرزمین و همه شاخه های فرهنگی و نژادی وابسته بخود دارد - حوادث و وقایع و مخاطراتی که در اطراف مادر حال تکوین و تظاهر است، ما را بدین سمت و بسوی این هدف رهنمون می‌کسرد که باید همه کوشش های اقتصادی و همه نیروهای انسانی بدانسان تنظیم و تجهیز گردد که هر چه زودتر محور صنایع سنگین در این سرزمین بوجود آید.

ما بارها، بدین نکته اشاره نموده ایم که نباید مسائل اقتصادی ایران را از نظر سوداگری محض مورد بررسی قرار دهیم - ملت ایران اکنون در گیر و دار مبارزه های بزرگ و نبردی عمیق و پرمیانه است.

ملت ایران باید همه آثار ضعف و پراکندگی را از خود دور سازد - آنچه را که نشانی از غفلت زدگی و تسامح و تمعل یک قرن اخیر دارد بدور بپروازد و شایسته مقام واقعی خود را بازستاند. کوتاه سخن آنکه ما باید اساسی نو بر پایه های زندگی کهن خود برای آزادی و بزرگی و یگانگی و رفاه ملت خود بپایزیم.

ما بخوبی میدانیم که انجام این مهم، بسادگی میسر نیست، دشمنان بسیار ملت ما را احاطه کرده اند - در آبهوا خشکی ها، در ساحل ها و دریاها، توطئه های دشمنان در بنه ملت ایران هر روز برنگی نو در لباسی دیگر خود نمائی میکند.

پس ملت ایران، برای وصول به آرمانهای بزرگ خود - راهی بس طولانی و نبرد پی عظیم در پیش دارد.

ما از هم اکنون میبیمیم که برای جلوگیری از ایجاد تحول و تکامل در زندگی ملت ایران چه عوامل ناپاک را داخل و خارجی دست در دست یکدیگر برای ما آهنگ ستیز ساز کرده اند.

در این نبرد بزرگ برای ایجاد زندگی شایسته ملت ایران، چگونه پیروز توانیم شد؟

ما روزها و ماهها و سالهای بسیار را بخاطر داریم، آنان که دم از دوستی با ما میزدند، برای حفظ منافع خود چه بسا ما را تنها گذاردند - چه بسا از کمک های اولیه نیز بماندند و در این لحظه

چه تضمین و اطمینانی هست که در حوادث دهشتناک آینده ما از حمایت آنها که بپا میمانند حمایت و همکاری می دهند برخوردار باشیم ...؟

پس جز این چاره ای نیست که ما خود به آینده خود بیاندیشیم و برای مقابله با وقایع عظیم فردا، بر نیروی ملت خود تکیه کنیم و خویشتن را برای رزم بزرگ زندگی آماده سازیم،

بقیه در صفحه ۴

شماره ۱۳

خاک و خون

مباحث ناسیونالیسم کلینی از دکتر فضل الله صدر

ملت ما باید باتکیه بر شناخت نیاز های ملی راه خود را باز شناسد

نیاز ملی

موقعیت تاریخی و جغرافیائی و همچنین سابقه فرهنگ (کولتور) و سیر تمدن و تکامل ملت های مختلف یکی نیست و به همین دلیل نیز هر ملت نیازی ویژه خود دارد.

هر ملتی بنا بر اقتضاء طبیعتی که دارد دائماً در حال چنیدن و کوشیدن و آفریدن است و می بقیه در صفحه ۲

فساد اداری...

درواه مبارزه با فساد و نا - بسامانی دستگاه های اداری باید از شرح کلیات گذشت و بجزئیات پرداخت، پرونده هر دستگاه را باید گشود و به بررسی و ارزیابی کار آن پرداخت.

«خاک و خون» کنترل کننده دقیق و بی گذشت برای کلیه دستگاه های اداری خواهد بود.

در شهر بانی کل کشور چه گذشت؟

چه کسانی بجای معنادرین باید مجازات شوند؟

ما نباید دست روی دست بگذاریم و اضعلال نسل و نژاد خود را بنظره کنیم

هر وین، سخنان رئیس شهر بانی جالب و درخور توجه بود.

رئیس شهر بانی بدین نکته اشاره نمود که سازمان های انتظامی هر روز مبارزات وسیعی با وارد کنندگان و سازندگان مواد مخدر بعمل میآورند - هر روز باند ها و دسته های از این قبیل عوامل جنایتکار را کشف و دستگیر می کنند بقیه در صفحه ۴

دیروز، ساعت ده باعداد بدعوت رئیس شهر بانی کل کشور آقای نخست وزیر و وزیر دادگستری و جمعی از مدیران روزنامه ها در اداره کل شهر بانی حضور یافتند - تشکیل این مجلس طرز کار با آن وسائل برای تهیه



سر نوشت کنونی هم نژادان ما در عراق

بقیه در صفحه ۴

شرط پیروزی...

ایجاد صنایع سنگین برای ملت ایران آرمان مقدسی است، کوشش در راه وصول بدین آرمان جهادی است بزرگ - آنان که باید در این میدان نبرد، در راه وصول به آرمان ملت خود بکوشند باید خود به آرمان ملت خود معتقد و پای بند باشند.

آنان که زنجیر های اسارت اقتصادی را بر دست و پای ملت ما پیچیدند - آنها که با منطق استعمار اندیشه میکنند و به آرمان های تاریخی و حقوقی وابسته به ملت ایران و نقش تاریخی ملت خود اعتقاد ندارند نمیتوانند در پابند که چگونه ایجاد صنایع سنگین ضرورت تاریخی و اجتماعی ملت ما است.

چنین کسانی نخواهند توانست مجری وفادار و ثابت قدم این طرح بزرگ ملی باشند.

بدین مناسبت است که برای پیروزی در راه صنعتی شدن ایران خلعید از عوامل ناپاکاری را که مخالف با این آرمان پر فروز ناسیونالیسم ایران میباشند شرط ضروری و پیروزی میدانیم

پیرامون نامه جمعیت ایرانی طرفدار حکومت متحده جهانی (۳)

از: آرمان

حقیقت اندیشه انتر ناسیونالیسم جهان صلح و دوستی استعمار گران

زهر استعمار چشیده میباشد، باید همچنان راهنمای مبارزات این ملت را برای از هم گسیختن آخرین حلقه های زنجیر استعمار باشد.

همه اصلاص طلبان، همه میهن پرستان و همه مردم آزاده این روزگار باید ملت هائی را که در گروه استعمار شدگان (چه آنها که اکنون آزادی و استقلال یافته اند و چه ملت هائی که هنوز در قید رقیب و اسارت میباشند) فرخوانند تا بتوان هر چه بیشتر رزم ضد استعماری و کوشش های استقلال طلبانه خود را دنبال کنند. بقیه در صفحه ۳

آنان معلوم شدند و اینان بر دنیا خاله معلوم شدند حاکم و صاحب گردیدند

این وجه اشتراک که روح

همه جنبش های ناسیونالیستی و ضد استعماری کشور های آسیائی و آفریهائی و دیگر ملل زجر دیده و

تعطیل یکشنبه

روز یکشنبه آینده بمناسبت تصادف با میلاد با سعادت حضرت علی علیه السلام و تعطیل عمومی روزنامه خاک و خون منتشر نمیشود شماره ۱۴ روزنامه روز سه شنبه ۱۸ آبانماه بدست شما خواهد رسید

از: دکتر عاملی تهرانی

دانشگاه صنعتی آریامهر

گامی بزرگ در راه تکامل تکنولوژی

مکانیک، الکترونیک، الکترونیک، الکترونیک، علوم، ذوب آهن، شیمی، پتروشیمی و نفت در آن تاسیس خواهد گشت. برای کادر آموزشی این دانشگاه علاوه بر اشخاص واجد شرایط که در ایران هستند از فارغ التحصیلان ایرانی دانشکده های معتبر خارجی استفاده خواهد شد. این دانشگاه علاوه بر تعلیم متخصصان رده بالای امور صنعتی با امور تحقیقات صنعتی نیز خواهد پرداخت تا همواره کشور را در عالیت ترین سطح تکنولوژی زمان نگاهدارد. بقیه در صفحه ۳

پیرروز فرمان تشکیل دانشگاه صنعتی آریا مهر صادر گردید و هیئت سی نفری امای آن تعیین واعلام گردیدند. این دانشگاه که کنجایش ۱۲ هزار نفر دانشجو را خواهد داشت از مهر سال آینده آغاز بکار خواهد نمود ورشته های مهندسی

کشور را میتوان صنعتی دانست که صنعت بفکر و ذهن افراد رسوخ پیدا کرده باشد و در آن کشور انسان هائی باشند، آشنا بطرز فکری که مستلزم گردش پیشرونده جرخ های صنعت است.

نامه پرسوزی دیگر

از برادر کردی دیگر

باز جوید روزگار و صل خویشت

هر کی کود و گشت از اصل خویشت

نامه ایست، پر از احساس، پر از آرزو های بلند پایه آریائی - نامه ای که شوق یگانگی و همگامی و آزادی را در بالای همه غمها ورنجهائی که نویسنده پرشور این نامه و دیگر برادران کردما متحمل می شوند نشان میدهد. سیاس عمیق و بسیار ما، بسوی اردو دیگر برادران کرد ... دود گرم و صمیمانه بر آن مبارزان دلیرو شکست ناپذیر. آهنگ همدلی سر داده شده است، بی گمان هیچ چیز نخواهد توانست این آهنگ مقدس را در سینه های ما خاموش سازد. بقیه در صفحه ۴

چکیده خبر های

ایران و جهان

بررسی رویدادها

در صفحه ۴ مطالعه فرمائید

نامه زیر را، برادر هم نژاد کردما آقای س- جانی، دانشجوی کرد عراقی برای «خاک و خون» فرستاده اند

سخن روز آذرب

مشکل تلفن

نمونه ای از طرز فکر کهنه دستگاه اداری

زمانی بود که بعضی از منتقدین اجتماعی که بمکاتب مخصوصی وابسته بودند اظهار میداشتند «دولت تاجر خوبی نیست» بعضی این نظر را که مورد قبول همه صاحب نظران نیست بعنوان قانون و ناموس اجتماعی تلقی کرده اند و گمان میکنند دولت در امور بازرگانی و تولیدی و خلاصه آنچه بعنوان حق تصدی خود اعمال میکند و حتما و قطعا باید تاجر و یا مدبر اقتصادی بدی باشد. حتما در امور بازرگانی باید غلط فکر کند حتما طرز کارش باید باموسسات خصوصی فرق فاش داشته باشد. حتما باید خود را از اجرای تعهداتش عاجز نشان دهد و بالاخره برای پرده پوشی بر همه معایب ناشی از مدیریت ناقص خود باید از حق حاکمیت استفاده بقیه در صفحه ۳

از: تماشاگر

از: دکتر عباس روحبخش

حل بحران رودزیا یا حل بحران کابینه ویلسون؟

بقیه در صفحه ۴

صحنه اول

صحنه اول - بادهای سرد و مداوم دومین ماه پاییز، بر چهره درختان سرسبزی که تا چندی پیش شور و نشاط فوق العاده داشتند و مردمان را از شادابی و سرسبزی خود، غرق شادی و انبساط مینمودند، رنگ زردی و پژمردگی داده است، دیروز از کوچه باغی میگذشتم که در ایام بهار و تابستان جولانگاه زنان و مردان و جوانان بود و سرسبزی و شادابی درختان دوطرف آن که حالا تغییر قیافه داده است، دل آدمی را شاد میبرد و امید زندی را در روح و جان آدمی تازه میساخت، اما آن شادابی و سرسبزی، دیروز که زایل شده و گوئی آمده و رفت بهار شاداب و پاییز غم انگیز، درسی است که طبیعت بمردها میدهد، درس اینکه، نه بهنگام نیرو و قدرت، چنان مغرور باشنده که ساز یا نشناسند و دیگران را بهیچ پندارند و نه در روز های افتادگی آنچنان نا امید که زندگی بر خود و دیگران تلخ و نامطبوع سازند، راستی که جهان ما را از هاست، گروهی پیدآور و بی ناپیدا و برای کاش از میان اینهمه راز آشکار و نهان، تنها همین آمد و رفت فصل ها، ما را بخود میآورد.

درسی از طبیعت

تفسیر سیر

مسئله رودزیا تنها این کشور آفریقائی را دچار بحران نساخته بود بلکه کابینه کارگری انگلیس و دولت هارولد ویلسون را نیز دستخوش بحرانی سخت ساخته بود چنانکه نخست وزیر انگلیس با اشتاب بسیار رهسپار آفریقا گردید و چندین روز بنا بگفته خودش روزی ۱۷ ساعت کار کرد تا توانست اندکی از شدت این بحران بکاهد و به پیروزی بپای برد، اما پیروزی برای کدام یک از مناطق بحران زده «رودزیا» بالندن، ۱۹ بدون شک تغییر تصمیم بان اسمیت نخست وزیر سفید پوست رودزیا در اعلام یکجانبه استقلال گام پیروزی بخشی برای کابینه انگلیس و تخفیف بحران دولت انگلیس بود که مسئله رودزیا این کابینه را متزلزل کرد

حقیقت

باید بهرملتی فرصت داد و هرملتی را تشویق و حمایت نمود که از ناسیو- نالیسم خود الهام گیرد و جنبش عظیم خویش را برای وصول به آزادی و شرافت ملی در راه ناسیونالیسم خود دنبال کند.

چنین مبارزه‌ای مبارزه ضد استعماری است، و چنین راهی است که ملت‌ها را از قید اسارت استعمار سرخ و سیاه رهایی خواهد بخشید و این جهان را جلوه‌گاه آزادی ملت‌ها خواهد ساخت.

بنابراین، در شرایطی که رزمی گران در گیر است - در شرایطی که استعمارگران با توسل با انواع وسایل و بهانه‌ها و تمهیدات نمی‌خواهند به تجاوزات تاریخی خود پایان دهند و برای ادامه استعمار و تجاوزات خود هر روز پیش‌ازروزی پیش‌بر نیروی نظامی و اقتصادی و نفوذ سیاسی خود می‌افزایند، کوتاه‌سختی آنکه در شرایطی که عصر ما آستان حوادث عظیم تاریخی است - عصر ناسیو- نالیسم است که با استعمار، بردگی و ظلم و ستم نبرد عظیم را آغاز نموده است.

آیاسا است که بجای تشویق نیروهای آزادی‌بخش ملت با دامه مبارزه و بجای تقویت این نبرد بزرگ ناسیونالیسم ملت‌ها برضد استعمار، با مخدّر تبلیغات جهان وطنی اعصاب صوفی‌افزاین مبارزه انسانی را تخریب کنند و آنان را دعوت بایجاد حکومت جهانی نمایند، که اکنون در آن چندملت استعمارگر، ملل بیکر را بزنجیر ای اسارت کشیده‌اند؟

مقدم - دوم تبلیغ عقیده جهان‌وطنی «بهر شکل که باشد» در این شرایط چیست؟

جز این است که وضع کنونی جهان تثبیت گردد؛ جز این است که استعمارگران همچنان براریکه‌های قدرت خود تکیه داشته باشند - منابع و نیروی کار و کوشش ملت‌های استعمار شده را چپاول و غارت کنند؛ جز این نیست که تبلیغ عقاید جهان‌وطنی در جهان امروز عبارت است از حمایت از طرز استقرار اقوام ملت‌ها در شرایط کنونی.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا طرز و کیفیت استقرار نیروهای ملت‌ها در شرایط کنونی یک شکل و فرم انسانی است؟

با یکس، چگونگی تنظیم و استقرار نیروهای ملت‌ها و نحوه تقسیم بندی قدرت‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی هنوز استعمار همان استعمار قرون وسطی به بعد می‌باشد که بارنگ و رخساری دیگر حیات سنگین خود را دنبال میکند.

بی‌شک حامیان این عقاید خواهند پرسید آثار و نشانه‌های ادامه حیات استعمار کجا وجود دارد؟

پاسخ ما این است که در زندگی کدام یک از اکثریت قریب به اتفاق ملل، آثار نفوذ و استعمار معسودوی کشور های استعمارگر مشهود نیست.

شما در این جهان اکنون ملت‌های بسیاری را می‌بینید که وجود واحد آنان پاره پاره شده است و ملتی واحد بخاطر تملیلات و برنامه‌های استعماری استعمارگران به قطعاتی چند تقسیم گردیده است.

استعمارگران بخود حق می‌دهند برای ملت‌های خود وحدت و یکانگی هر چه بیشتر فراهم سازند - حتی بخود حق می‌دهند که تیره‌هایی از ملل دیگر و پاره‌هایی از سرزمین‌های دیگر را در حوزة قلمرو خود قرار دهند - اما دیگر ملت‌ها باید وجودشان را در تنجیه بسوزند تا لایب‌خامن‌سوز این آتش زندگی استعمارگران را فروز و روشنی بخشاید.

مشکل تلفن

کند و مردم را مجبور بتمکین از آثار ضعف خود نماید. این نظریه متأسفانه هنوز هم بر قسمتی از دستگاه‌های اداری ما حکومت میکند و باینکه تحولات عمیق و ریشه‌دار اجتماعی که در سال‌های اخیر صورت گرفته است ایجاب میکند که سازمان‌های اداری نیز ثنورها و نظریات کهنه و فرسوده را دور اندازند، ولی هنوز آثاری از طرز فکر نیم قرن پیش، در دستگاه‌های موجود، مشاهده می‌گردد.

چندی پیش ناگهان شایع شد که شرکت تلفن قصد دارد از تغییر جای تلفن خودداری نماید. این شایعه سر و صدای فراوان برآورد و همه تعجب کردند که چطور یک موسسه دولتی میتواند حق استفاده از اموال مردم را از آنان سلب کند، خوشبختانه همان تذکرات خشم‌آلود ابتدائی شرکت را متوجه ساخت که این این کار خلاف همه اصول است. بعدها جوی تلفن تضییقات و مشکلات قبلی، مصرف‌شده‌اند و لی برای تغییر جای تلفن تضییقات و مشکلات فراوانی ایجاد می‌کنند این گذشت تا برایش در روزنامه‌ها خواندیم که شرکت تلفن قصد دارد بهیچکس بیش از دو شماره تلفن نفروشد (البته شرکت‌ها را مستثنی کرده‌است)

و تلفن و یاقبض و دویعه تلفن را از آنان که در حال حاضر بیش از دو شماره در اختیار دارند پس بگیرد

در هر جای دنیا که یک موسسه خصوصی تلفن چنین قصدی را اغنام ساخت حق مسلم دولت بود، که آن موسسه را بچشم اقدام بعمل خلاف اصول مورد تعقیب قرار دهد. ولی چون در اینجا بیشتر این عمل خود دولت است با کمال سرفرازی و چنین عملیاتی دست می‌زند و آنرا مبارزه با دلالان و ایجاد کنندگان بازار سیاه قلمداد میکند.

ما فرض می‌کنیم ادعای شرکت تلفن در مورد دلال بازی کاملاً با واقعیات منطق است نباید پرسید، علت این دلال‌بازی چیست؟ علت آنست که تلفن در زندگی امروز بصورت یکی از ضروریات اولیه درآمد است و شرکت تلفن از چند سال پیش این فکر را نکرده است که تهران شهری است در حال گسترش، چه از لحاظ سطح شهر و چه از لحاظ جمعیت و بالاخره چه از لحاظ نیازمندی به تلفن. حالا احتیاج به تلفن زیاد شده است و مردم وقتی برای گرفتن آن بشرکت مراجعه می‌کنند اگر خیلی لطف داشته باشد از آنها دویعه می‌گیرد و وعده بقیامت می‌دهد.

قبض و دویعه تلفن هم کار تلفن را انجام نمی‌دهد. ناگزیر از باب احتیاج بفکر تأمین نیازمندی خود از راه‌های دیگر بر می‌آیند عده‌ای متوسل بصاحبان نفوذ و قدرت میشوند بلکه موفق بگرفتن تلفن شوند و عده‌ای که از این وسیله هم مایوس می‌شوند در عدد بر می‌آیند که آنرا در بازار آزاد خریداری کنند. اینجاست که عده‌ای واسطه، تلفن را از آنها که کمتر احتیاج دارند می‌خرند و در اختیار آنها که بیشتر احتیاج دارند می‌گذارند، هیچ تردید نیست که این گردش دست بدست تلفن که خود ناشی از کمبود آن می‌باشد، مشکلات فنی فراهم می‌آورد.

شرکت تلفن در اینجا دو فکری تواند بکند، یکی آنکه مثل یک موسسه اقتصادی معمولی که حق حاکمیت و حق گذراندن تصویرنامه و آئین نامه را ندارد عمل کند یعنی اولاً از اینکه مشتریانش بیشتر شده‌اند خوشحال باشد و ثانیاً با اقدامات اساسی درصدد تأمین نیازمندی‌های تلفن بر آید ولی چون این کار با ناموس «دولت تاجر خوبی نیست» و قریب می‌دهد شرکت دولتی هم از این راه اقدام نمی‌کند راه حل دوم که معمول دستگاه‌های مخابراتی است که آفند بر ای مصرف کننده اشکالات را می‌کند و آفند در دسترس تلفن را مشکل نماید که عده‌ای پشتیبان شوند و فکر داشتن تلفن را از سر خارج کنند.

این طرز فکر منحصر به تلفن نیست، هر چیز بدست دارندگان این طرز فکر بیفتد به همین وضع دچار میشود، غالباً هر روز برای خریدن کره یا سوزی به با اشکالاتی مواجه هستیم، باید صبح زود برویم و بفروشنده التماس کنیم که چه خبر است می‌خواهم کره دولتی بخوریم، در صورتیکه هر موسسه اقتصادی خصوصی وقتی احساس کند مصرف کننده کالا را زیاد شده است فوراً در صدد بر می‌آید به میزان تولید بیا فزاید.

ما نمی‌گوئیم افزودن بر میزان تلفن کار آسانی است و هر روز شرکت تصمیم بگیرد از فردا می‌تواند آنرا عملی کند. ولی آخر مسئله خرید و فروش تلفن هم داستان جدیدی نیست و لااقل متجاوز از ده سال است که این ماجرا دامنگیر مردم است و هر کس بگوید در این مدت طولانی امکان افزایش دستگاه و شبکه تلفن موجود نبوده است باید در قابلیت ادارش تردید کرد.

بهتر است مسئولان امور بازرگانی و تولیدی دولت هم فکر کنند که حق حاکمیت دولت پشت سرشان نیست و حق آنرا ندارند که از راه ایجاد مشکلات در پیش‌بای مصرف کننده، مسائل خود را حل کنند. اگر اینطور فکر کنند، مثل یک مدبر لایق اقتصادی تصمیم می‌گیرند و مشکلات را از راه اساسی آن حل می‌کنند.

دانشگاه صنعتی

«جاگوخون» پس از انتشار خبر تأسیس صنعت ذوب آهن در بکرشته مقالات روش‌های هم آهنگی را که اتخاذ آن بمنظور تحقق آرزوی «ایران صنعتی» ضروری خواهد بود منتشر نمود. در این مقالات ما روش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی مورد لزوم را تجزیه و تحلیل کردیم.

حقیقت آنست که در هنگام تنظیم و انتشار مقالات اجرایی سیاست مناسب از جهت رشد تکنولوژی را از همه دشوار تر میدانستیم. زیرا از طرفی وصول به هدف صنعتی شدن ایران تا حد دقایق تکنولوژی، و لزوم تربیت نیروی انسانی شایسته، کمتر مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفته بود و از سوی دیگر واضح است که ساختن موسسات و وضع قوانین صنعتی ناشی از اذکار عالی و مترقی

برک ریزان

صحنه دوم - سخن از رخان میان آمد، در روزنامه عدل شمری از فرخی سیستمی دیدم که برای تکمیل بحث بالا تغییر ذائقه مناسب بنظر رسید، این شعر دلچسب که برک ریزان نامیده شده چنین است.

تاخران تاخرن آورد سوی باد شمال
باد بر باغ همی عرضه کند زر عیار
هر زمان باغ پر ز آب فروشید روی
معدن زاع شد آرام که کبک و قندرو
شیر خوادان رزان را بریدند گلو
خون‌هاشان به تعصب بکشیدند، بجهد
هر حصاریکه از آن خون‌ها بر گشت همی
چونکسی کینه‌خون بر رزان بازخواست
گر حلال است حلالی است کز نیست ملال
ور حرام است حرامی است کز نیست ملال

صحنه سوم - یریش که برای سرکشی بکار حروف چینی روزنامه، بجای خانه رفته بود، نامه‌ای جلوی رویم گذاشتند، شکل طومارهایی که برای پشته‌بانی از کسی یا ابراز تنفر از کسی تهیه می‌کنند.

وقتی این طومار کوچک و کوتاه را باز کردم و خواندم، مدتی باخود می‌خندیدم و تازه علت اساسی اغلاط روزنامه را که مورد شکایت بسیاری از خوانندگان قرار گرفته و بابه‌کوشی که برای غلط‌گیری آن میشود، مثل همه مطبوعات ایران، از اغلاط چاپی زیارت، پی‌بردم، متن نامه را برای شما هم نقل می‌کنم که بهتر به علت پی‌بردن و ضمناً یادآوری کتب و رسمی باشد برای نویسندگان روزنامه و نیز بمنظور مقصود نویسندگان نامه را که کارگران شریف و زحمت کش چاپخانه هستند، تأمین کند. متن نامه که بعنوان مدبر روزنامه نوشته شده چنین است:

«... محترماً معروض میدارم، ما کارگران سرورف چینی که با نهایت افتخار مطالب آن روزنامه گرامی را می‌چینیم از آن مدیر محترم تقاضا می‌کنیم به جهت تحریریه آن روزنامه یادآور شود مطالب خود را کمی خوانائی مرقوم دارند که ما هم بتوانیم با سرعت و دقت بیشتری وظایف محوله خود را بانجام برسانیم - امضاء کارگران حروفچین - قبلاً از اظهار لطف شما تشکر می‌کنیم - خواهش میشود توجه فرمایند»

برای مزید آگاهی خوانندگان ارجمند باید اضافه کنم که مطالب روزنامه خاک و خون همه باخط نویسنده‌گان روزنامه تهیه میشود و کارگران حروفچین فرصت آنکه خطوط شکسته و تحریری را با دقت بخوانند ندارند، یعنی اگر بخوانند چنین کنند میزان کارشان کاهش مییابد و در نتیجه کلمات را درست و غلط سرم می‌کنند و تحویل میدهند، اما چرا روزنامه‌بنداشتن چند صد صحیح و زبیده باز هم غلط دارد، این را دیگر باید از صفحه بند و مسئول شنبه حروفچینی خرده گرفت ...

صحنه چهارم - پشت اداره روزنامه ما، یک ساختمان مرتفع با پنجره‌های بزرگ که شیشه ضد نور دارد، مدتی است توجه را جلب کرده، در بزرگ صبح از نزدیک این ساختمان رد میشدیم و بهمین بوط است به بانک و مراکز چاپخانه‌ها و سازمان برنامه، و در اینجا بود که ایراد گرفتیم برای چاپخانه و بانک، ساختمان باین عظمت آنهم با پولی که باید صرف عمران و آبادی شهرهای دوردست و روستاهای مملکت بشود، چه معنی دارد... در شب در همین زمینه با چند تن از دوستان بحث می‌کردیم، شخصی مطالبی که در جمع ما حضور داشت مطلب تازه‌تر و جالب‌تری عنوان کرد و آن اینکه همان ساختمان را که سازمان برنامه ساخته است و در حدود نود میلیون ریال هزینه آن شده بعلمت خللی که بر ریشه و دیوارهای آن وارد آمده (و قطعاً مربوط است به یک نوع حیف و میل و دخل و تصرف اموال دولتی که نمونه‌های عجیب با ارقام سرسام آور آنرا در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم) غیر قابل استفاده تشخیص شده است و می‌خواهند چوب‌حراجش را بصدا در آورند و برای اینکه از شرش راحت شوند بفروشن برسانند از این جریان که مطلع شدم باد

اقدامات ساختمانی! یکی از وزراء اقدام که چندین سال با کمال قدرت بر مسند وزارت تکیه زده بود و هر روز در یکجا یک ساختمان عظیم می‌ساخت و در همین قزوین، بغل گوش تهران برای یکی از ادارات محلی ساختمانی ساخته‌است که اگر هر یک از کارمندان آن، یک لنگه کفش، عصا، یا تو، لیوان آبخوری و اشیاء دیگر خود را هر یک به یک اتاق اختصاص دهند، باز هم اتاق‌های متعددی خواهد داشت، آنوقت در جای دیگر می‌خوانیم که کودکان معصوم رتی گناه فلان روستا در چادر و کپر های حصیری درس می‌خوانند، راستی به بینید که حیف و میل در دستگاه‌های اداری، تا کجا پیش رفته‌است، این را بعنوان نمونه برایتان تماشاگری کردم...

صحنه پنجم - هفته گذشته که گروهی از برادران افغانی بایران آمده بودند و از گوشه و کنار مین ما بازدید کردند، چیزی که قبل از همه و بیش از همه از نتیجه این بازدید و سفر که با بکار کارجا البش رک و هوایمانی ملی ایران (هما) و با هزینه همین

سازمان صورت گرفت، جلب توجه کرد، سخنانی بود که برادران روشنفکر و بیدار دل افغانی پیرامون پیشرفت‌های مین ما که شاخه‌ای از یک ریشه‌است و بیا همین افغانها پیوستگی و خویشاوندی تاریخی و کهن دارد، ایراد کردند، نمونه‌ای از آنها را برایتان نقل می‌کنم و آرزو دارم هر چه زودتر در سایه نیات اندیشی و هشیاری رهبران دولت، پیوندهای عمیق و مستحکم دوستی و یگانگی ایران و افغانستان بمرحله‌ای که آرزوی مردم است، برسد و این و افغانستان، بیرومندترین شکل دوستی و یگانگی را در این منطقه از جهان و این گوشه از آسیا ستور سازند.

«... این مسافران برای همه ما دلچسب بود و شرکت هوایمانی ملی ایران باین دعوت آرزوی ده ساله ما را بر آورد... **محمد موسی همت** رئیس انتشارات وزارت راه»
«... در شهر اصفهان یک دنیا مهربانی، لطف و بالائی از همه، صمیمیت برادرانی خودمان را حس کردیم، دوست‌ها ما برادران ایرانی خود دیرینه‌است و هیچ چیز نمیتواند دوستی و برادری ما را بهم بزند... **مهندس عصمت‌الله سراج**»

صحنه آخر - از تماشاگری شماره گذشته، سردبیر روزنامه یک صحنه را سانسور کرده بود و به این علت تماشاگری گذشته منکس صحنه سوم را فاقد بود، این دفعه گذشت، اگر یکبار دیگر قرار باشد جناب سردبیر با ما اینطور معامله داشته باشد، بهمدیر روزنامه شکایت خواهیم برد تا تکلیف ما را روشن کند، اما حسن ختام تماشاگری امروز را دوطرفه دلچسب از **عبدالله زاکانی** قرار میدهم و جان ما خلاص تا هفته آینده، آن لطایف این است،

● زنی چشم‌های بغایت خوش و خوب داشت، روزی شکایت از شوهر بقاضی برد، قاضی از چشم‌های او خوشش آمد. طمع در او دست و جانش او گرفت، شوهر دریافت، چادر از سرش بر کشید، قاضی رویش بدید، سخت متعجب شد، گفت برخیز ای زن! چشم مظلومان داری و روی ظالمان.

● عسان شب به قزوینی منت رسیدند، بگرفتند که برخیز تا بزنند انت بریم، گفت اگر من براه توانستمی رفت، بخانه خود میرفتم.

غلط در مطبوعات

نمونه حیف و میل

شاخه‌های یک ریشه

سانسور و حسن ختام

مفهوم تکنولوژی است که بنیانگذار بزرگ و پرافتخار این دانشگاه در نخستین پیام که در حقیقت اسامه مقدماتی این موسسه است، بدان اشاره فرموده‌اند. همانگونه که بارها اشاره کرده‌ایم حق آنست که پس از برداشتن هر گام بزرگ، همه دستگاه‌ها با اقدامات تکمیلی و هم‌آهنگ، یک‌کامل کردن و برهم‌ساختن هر چه بیشتر آن اقدام کنند. دانشگاه صنعتی احتیاجات رده بالای صنعت را بطور عمده‌ای تأمین میکند و از سال آینده چند هزار نفر از دبلمه‌های محکوم پس گردانی

در این موسسه مفید سرگرم تحصیل برآمدی خواهند گشت و لی باید توجه داشت که در برابر مهندس و متخصص دانشگاهی در امور صنعتی بچند برابر تکنیسن، سرکارگر، کارگرم‌ها نیازمند هستیم که همه افراد این گروه‌ها نیز باید در آموزشگاه‌ها و هنرستان‌های مناسب تربیت شوند امید آنست که وزارت آموزش و پرورش پس از این اقدام بزرگ قهرمانی و آموزشده بخود - آیندو طرح‌های مناسبی برای تکمیل شبکه نیروی انسانی که دانشگاه صنعتی آریامهر عوامل طبع بالا و رهبری کننده آنرا تربیت خواهد بخاطرشان می‌آوریم.

کرد، پیردازند، بیشک اگر طرح‌های مناسبی در این زمینه تهیه و اجرا شود، چندین هزار دانش آموزان سیکل دوم دبیرستان‌های امروز در چنین آموزشگاه‌ها و هنرستان‌های جذب خواهند شد و شاید دیگر با مشکل سرگردانی چهل هزار دینلمه در سال‌های آیندو روبرو نکریم، یکبار دیگر نظر مسئولان آموزش و پرورش را به بسیج امکانات موجود در این راه مظلوف میداریم و بخصوص امکانات وسیعی را که در اختیار اصناف و اطاق صنایع و معادن وجود دارد بخاطرشان می‌آوریم.

